

تحلیل معرفت‌شناسانه استعاره‌های مفهومی در زیارت اربعین و دعای ندبه*

مینا سادات حسینی^۱

محسن خوشفر^۲

چکیده

استعاره‌های مفهومی- از اصول معناشناسی شناختی- در زیارت‌نامه اربعین و دعای ندبه، پیوندی عمیق با یکدیگر دارند، به گونه‌ای که توجه به این پیوند استعاری می‌تواند حرکت آگاهانه و جهت‌دهنده در عمل را به ارمغان آورد و از معرفت، محبت و تبعیت حسینی به معرفت و محبت و تبعیت مهدوی رهنمون سازد و معارف عالی امام‌شناسی را که انتزاعی است، در قالبی ملموس برای همگان روشن سازد و یگانه بودن این معرفت را نشان دهد. برخی از این استعاره‌ها، که به روش توصیفی-تحلیلی در پژوهش حاضر بر زیارت اربعین و تطبیق آن با استعاره‌ها و مضامین دعای ندبه روشن شده است عبارت است از: «وارث»، «اسیر کربات»، «نهایت نجات از جهالت و ضلالت»، «نور هدایت»، «حافظ و نگهدارنده ستون»، «رکن و تکیه‌گاه»، «پناهگاه»، «نشانه و کلمه تقوا»، «نشانه‌های هدایت»، «محکم‌ترین دستگیره و جبل‌الهی»، «حجت‌الهی». این استعاره‌ها مقام ویژه اهل بیت، به خصوص امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام را در هدایت مردم از زوایای مختلف تصویرسازی کرده است.

واژگان کلیدی

استعاره مفهومی، امام حسین علیه السلام، زیارت‌نامه اربعین، دعای ندبه، حضرت مهدی علیه السلام، معرفت به امام.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۹

۱. طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی فاطمة الزهراء علیها السلام، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
(ms.hoseini89@yahoo.com)

۲. استادیار گروه حدیث جامعة المصطفی العالمیه قم، ایران (mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir)

معرفت علمی و عملی به امام هر زمانی، از اصول مهم زندگی هر انسانی است که می‌خواهد زندگی و مرگ او جاهلانه نباشد. برای چنین شخصی در عصر حاضر، معرفت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ضروریات است، چرا که صاحب این عصر و زمان هستند و معطوف بودن توجه بزرگان و حتی سخنان و سیره ائمه به این امر، اهمیت این شاخصه مهم برای زندگی را نشان می‌دهد.

در فرهنگ شیعی زیارات اهل بیت علیهم السلام همانند دعاها که صادر شده از سوی خود حضرات است، مفاهیم عالی معرفت به امام را در قالبی متناسب با مخاطب به او منتقل می‌کند. یکی از این قالب‌ها که می‌تواند شناخت ملموسی نسبت به اهل بیت علیهم السلام، به همگان انتقال دهد، استعاره‌های مفهومی است که در متون دینی از جمله زیارت‌نامه اربعین و دعای ندبه در زمینه امام‌شناسی، به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد توجه به یاد هر یک از این دو امام (حضرت اباعبدالله علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ایام منتسب به دیگری با ادعیه و زیارات وارده، اتصال و پیوند و معرفت به این دو امام را نشان می‌دهد؛ مانند وارد شدن زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز ولادت و شهادت امام حسین علیه السلام، و زیارت امام حسین علیه السلام در روز ولادت امام زمان علیه السلام، وارد شده است.

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام - که نشانه ایمان است (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۶، ۵۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۵۳) - و نیز دعای ندبه - که دعایی پرمحتوا با مضامین عالی در زمینه امام‌شناسی و ولایت است - از جمله اعمال مهمی است که در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جلوه‌ای تمام عیار برای کسب چنین معرفتی است. توجه به وجوه مشترک این دو، در قالب ملموس استعاره‌های مفهومی، فرصتی مغتنم برای معرفت عمیق و اتصال به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که می‌توان، با معرفت حسینی برگرفته از زیارت اربعین به معرفت مهدوی در دعای ندبه رسید و بالعکس. عجین و یکی بودن این دو معرفت روح‌بخش، با دقت در فرازهای زیارت اربعین و دعای ندبه و تطبیق آنها، به خوبی دریافت می‌شود؛ چرا که همه ائمه علیهم السلام با نگاه جامعی به مجموعه ابعاد وجودی انسان، با روش‌های مختلفی از جمله دعا و زیارت صادره از ایشان، می‌خواهند او را به سوی سعادت رهنمایی کنند؛ از همین رو با ظرافت و دقت

ویژه‌ای سخن می‌گویند تا آدمی را از مرحله‌ای به مرحله‌ی عالی‌تری حرکت دهند به گونه‌ای که در هر دعا و زیارتی این امر مشترک به وضوح درک می‌شود. ضرورت پرداختن موضوع مورد نظر از آن جهت است که اهتمام به زیارت اربعین [و دعای ندبه]، راه زنده نگاه داشتن نهضت و دین اسلام (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۲۲۹-۲۳۰) و زمینه‌ساز ظهور است و جنبه‌ی معرفت، محبت و تبعیت را در مخاطبان خود تقویت می‌کند و معارف عالی امام‌شناسی را که انتزاعی است در قالبی ملموس و عینی برای همگان روشن می‌سازد.

تحقیقات بسیاری به صورت مجزا، در مورد زیارت اربعین امام حسین علیه السلام و دعای ندبه، به تحریر درآمده است. مقالاتی که در مورد زیارت اربعین است مانند: «بررسی ظرفیت‌های تمدن‌سازی در جهان اسلام با تکیه بر پیاده‌روی اربعین» از محسن پریوش، «آثار و تجلیات امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین» از مرتضی خسروشاهی، «تحلیل آموزه‌ی امامت در زیارت‌نامه اربعین» اثر محمد رنجبر و نجمه صنعتیان، «بررسی سبک‌شناسانه دلالت‌های آوایی و نحوی زیارت‌نامه اربعین» از محمود شهبازی و دیگران است. کتب زیادی هم در این زمینه نوشته شده است مانند: *اسرار زیارت‌الاربعین* اثر شیخ محمد السند، *مجموعه مقالات اربعین* انتشارات پژوهشکده حج و زیارت.

مقالاتی که در مورد دعای ندبه است مانند: «تبیین مصادیق قرآنی دعای ندبه از دیدگاه مفسران معاصر» اثر فاطمه رضایی و دیگران که مصادیق ائمه (خورشید، ماه، ستاره، و...) و به طور خاص حضرت ولی عصر (منتظر، خونخواه، فرزند ستارگان درخشان و...) را استخراج و تبیین کرده است. مقاله «سیمای پیامبر و جایگاه اهل بیت ایشان در آینه دعای ندبه» نوشته محبوبه سرمدی و دیگران. کتبی بسیاری مانند: *وسيلة القرية فی شرح دعاء الندبة* از شیخ علی خوئی، *النخبة فی شرح دعاء الندبة* از سید محمود مرعشی، *فروع الولاية* از آیت‌الله صافی و... نیز در شرح دعای ندبه نوشته شده است.

در مورد ارتباط این دو امام و شرایط زمان آنها مقاله «ارتباط عاشورا و ظهور» از محمد هادی همایون دیده می‌شود اما به رغم اهمیت موضوع، در مورد تحلیل معرفت‌شناسانه زیارت اربعین و دعای ندبه با تکیه بر استعاره‌های مفهومی آن، پژوهشی مستقل انجام نشده است؛ از همین رو پژوهش حاضر درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی، با رویکرد استعاره‌های مفهومی که یکی از اصول معناشناسی شناختی است،

تحلیلی معرفت‌شناسانه در رابطه معرفت حسینی و مهدوی داشته باشد تا راهی مؤثر در جهت غنابخشی ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و معرفت به ایشان، فراهم آورد.

مفاهیم

برای روشن شدن رویکرد مقاله حاضر «معرفت و اقسام آن»، «استعاره مفهومی و اقسام آن»، «زیارت‌نامه اربعین و سند و موضوعات آن»، «دعای ندبه و سند و موضوعات آن» تبیین می‌شود.

۱. معنای معرفت

معرفت خاص‌تر از علم است. معرفت علم تفصیلی به خود شیء است به طوری که جداکننده آن از غیرش باشد، اما علم ممکن است تفصیلی یا اجمالی باشد (عسکری و جزایری، ۱۴۲۹ق: ذیل ماده «علم»). البته برخی علم و معرفت را از آن جهت که هر دو مسبوق به جهلند، هم معنا می‌دانند و برآنند «علم» (دومفعولی) به معنای یقین و (یک مفعولی) به معنای معرفت است و اگر با حرف «باء» همراه شود معنای شعور و احساس دارد (فیومی، بی‌تا: ذیل ماده «علم»).

در اصطلاح متون دینی، معرفت جنبه نظری و عملی دارد به ویژه در معرفت امام که در روایات آن را به حجت الهی دانستن امام بر خلق (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۸۲۰) و شهید در راه خدا و مفترض الطاعه دانستن امام (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۵۸۴) تبیین کرده‌اند. از همین رو در ادعیه و زیاراتی چون زیارت اربعین و دعای ندبه با همین دو رویکرد نظری و عملی برای معرفت، شناخت امام به ویژه امام حسن علیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را با بیانات مختلفی مانند استعاره‌های مفهومی، مفهوم‌سازی کرده‌اند.

۲. استعاره مفهومی^۱ و اقسام آن

استعاره مفهومی یکی از موضوعات کانونی حوزه دانش معناشناسی شناختی است. «استعاره مفهومی» از شباهت «هستی‌شناختی» موجود میان عناصر دو قلمرو و «معرفت‌شناختی» میان روابط عناصر یک قلمرو با روابط عناصر قلمرو دیگر، بین دو حوزه مبدأ (حسی و عینی) و مقصد (انتزاعی) پیدا می‌شوند (قائم‌نیا و دیگران،

1. Cognitive semantics

اقسام استعاره مفهومی، براساس تقسیم سه‌گانه بنیادی لیکاف و جانسن، عبارت است از:

۱. استعاره جهتی: ^۱ بیانگر مفاهیم مرتبط با جهت‌گیری فضایی مانند بالا یا پایین، جلو یا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون و... است.
۲. استعاره ساختاری: ^۲ از یک امر مشخص و منظم برای ساختن چارچوب مفهوم نامشخص، با توجه به فرهنگ حوزه مقصد، استفاده می‌شود؛ مانند درک مفهوم زمان، به وسیله طلا که ارزشمندی آن ملموس است و استعاره مفهومی «وقت طلاست» را به وجود می‌آورد.

۳. استعاره هستی‌شناسی (وجودی): ^۳ مفاهیم انتزاعی حوزه مقصد را ماهیت وجودی می‌دهد. هستی‌چیزی، در قالب هستی چیز دیگری درک می‌شود که به ظرفی، ^۴ پدیده‌ای یا مادی، ^۵ شخصیت بخشی، ^۶ حیوان بخشی ^۷ و گیاه بخشی ^۸ تقسیم می‌شود (Jahnsen & Lakoff, 1980: 7-33).

هدف مهم ایجاد نظام مند تحول در زندگی بشر با استعاره‌های مفهومی، از چند جهت در فهم و تجربه نقش دارد: الف) تأثیر در نحوه فهم از دیگر مطالب دینی؛ ب) تأثیر در نحوه نگرش به عالم و دیگر موجودات؛ ج) تأثیر در رفتارهای مخاطبان؛ د) تأثیر در حوزه اجتماعی و فهم روابط دیگران (علیرضا قائمی نیا، ۱۳۸۸ش: ۱۷۰). مانند تأثیر استعاره مفهومی «نور بودن اهل بیت» در مفاهیم مرتبط با آن، که براساس آن کشف می‌شود: «هر چیزی که از جانب اهل بیت می‌آید، نور است» (کلامکم نور)؛ «هر چیزی که مقابل اهل بیت قرار می‌گیرد، ظلمت است».

براساس چنین اهداف مهمی در استعاره‌های مفهومی، با کشف و تبیین آنها در ارتباط زیارت‌نامه اربعین و دعای ندبه با یکدیگر، می‌توان تحول عمیق و بدیعی در

1. metaphor Orientational
2. Sistemacity Metaphor
3. Ontological Metaphor
4. Container metaphors
5. material metaphors
6. Personification
7. Animalification
8. Plantification

اندیشه، نگرش و رفتار ایجاد کرد؛ چه بسا یکی از دلایلی به کارگیری استعاره‌های مفهومی توسط اهل بیت علیهم‌السلام در معرفی خود، ایجاد چنین تحولی در زندگی بوده است، زیرا در این روش، آن مضامین والای معرفتی را با بیانی ملموس و قابل فهم برای بشریت تبیین کرده‌اند.

۳. زیارت‌نامه اربعین

زیارت‌نامه امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین به دو صورت نقل شده است: نقل اول را که صفوان جمال از امام صادق علیه‌السلام آورده در سند آن خدشه‌ای وجود ندارد و معتبر است، زیرا «ابومحمد هارون بن موسی بن احمد تَلْعُکُبَری» و «حسن بن علی» از راویان بزرگ مورد اعتماد شیعه در سند آن است (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۷۸۸).

نقل دوم از جابر و عطا (عطیه عوفی کوفی)، همسفر جابر در اربعین برای زیارت امام حسین علیه‌السلام نقل شده و همان زیارت نیمه رجب است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۸، ۳۴۵، ح ۱).

مقایسه این دو نقل زیارت پرمحتوای روز اربعین، از مفاهیم مشترک آن دو حکایت دارد، به گونه‌ای که یکدیگر را تفسیر می‌کنند. این پژوهش سعی دارد ملاک استخراج استعاره‌ها براساس نقل اول، باشد و تنها مواردی به نقل دوم زیارت استناد شود که تفسیر و تبیین نکات برآمده از زیارت منقول اول باشد.

این زیارت ناب، مانند سایر زیارات، دارای مضامین بسیار بلند و جامعی، در ده فراز است:

۱. سلام‌های توصیفی: «السلام علی ولی...»؛
۲. شهادت به عظمت امام حسین علیه‌السلام: «اللهم انی اشهد...»؛
۳. اهداف قیام: «وبذل مُهَجَّتَه...»؛
۴. قاتلان امام حسین علیه‌السلام: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَیْهِ...»؛
۵. درس‌آموزی از حضرت: «أَشْهَدُ نَّكَ أَمِینُ اللّٰهِ...»؛
۶. تجدید بیعت با امام: «اللّٰهُمَّ إِنِّیْ أَشْهَدُكَ أَنِّیْ وَلِیُّ لِمَنْ وَالَاةُ...»؛
۷. اصالت خانوادگی: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا...»؛

۸. توصیف فرزندان: «وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيُّمَةَ...»؛

۹. بخشی از اعتقادات شیعه: «وَأَشْهَدُ أَنَّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ...»؛

۱۰. صلوات بر اهل بیت: «صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...».

۴. دعای ندبه

برای دعای ندبه، دو سند ذکر شده است:

سند اول چنین است: «ذکر بعض اصحابنا قال: قال محمد بن علی بن أبی قرة، نقلت من کتاب محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری قدس سره دعاء الندبه و ذکر انه الدعاء لصاحب الزمان صلوات الله علیه و يستحب أن يدعا به فی الاعیاد الاربعة (جمعه، قربان، فطر، غدیر) و هو...» (سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶).

دومین سند برای دعای ندبه، چنین است «قال محمد بن المشهدی فی المزار الكبير: قال محمد بن ابی قرة: نقلت من کتاب أبی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰). این سند تزلزل سند اول را ندارد، زیرا در سند اول سید بن طاووس می فرماید: «ذکر بعض اصحابنا» اما در سند دوم آمده است «محمد بن علی بن ابی قرة» چنین گفت. البته احتمال دارد سید بن طاووس این دعا را از جناب مشهدی گرفته باشد و مراد وی از «بعض اصحابنا» همان مرحوم مشهدی باشد (همان).

در نقل اول قبل از آوردن متن دعای ندبه چنین آورده اند:

أنه الدعاء لصاحب الزمان و يستحب أن يدعى به فی الاعیاد الاربعة... (سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶).

از این عبارت فهمیده می شود انشاء این دعای شریف برای امام زمان، از جانب کسی غیر از امام معصوم علیه السلام نبوده است؛ زیرا بزرگان اصحاب امامیه هیچ گاه در رابطه با دعایی که از جانب شخصی غیر از معصوم صادر شده باشد، نمی گویند «مستحب است آن را فلان وقت معین بخوانید». بنابراین تعبیر استحباب و تعیین زمان خاص برای قرائت آن روشن می کند، از جانب معصوم رسیده است. البته روشن نیست این دعای شریف از جانب کدام يك از معصومین علیهم السلام صادر شده است و دو احتمال وجود دارد: احتمال اول: دعاء از توقیعاتی است که از جانب حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای

مرحوم ابن بزوفری که در زمانی نزدیک به غیبت صغری می زیسته، صادر شده است. احتمال دوم: دعا از سوی امام صادق علیه السلام صادر شده باشد (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۴۹۱). به هر حال از سند و نیز محتوای بلند دعای ندبه معلوم می شود، این دعا، غیر مأثور نیست، بلکه دعایی است که از جانب یکی از ائمه هدی علیهم السلام نقل شده است. این دعا از سه بخش اصلی تشکیل شده که با یکدیگر مرتبط بوده و یک سیر منسجم را تشکیل می دهد:

بخش اول: در سه فراز با موضوع توحید، نبوت، امامت است: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد نبیه و آله و سلم تسلیما...»؛

بخش دوم: واله و شیداشدن در فراق و غیبت امام زمان علیه السلام است: «بأبی انت و نفسی لک الوداء و الحمی...»؛

بخش سوم: استغاثه و طلب لقاء و وصل و قرب روحی و معنوی امام زمان علیه السلام است: «اللهم أنت کشف الكرب و البلوی...» (رفیعی، ۱۳۸۲ش: ۵).

در این فراز پس از گذراندن مراتب انتظار، و درخواست برای درک دولت حق و ولی خدا بر روی زمین، به سوی تقاضای وصال ابدی نیز راهنمایی می فرماید (میرباقری، <https://mirbaqeri.ir/articles>).

تحلیل معرفت شناسانه استعاره های مفهومی در زیارت اربعین و دعای ندبه

ولایت و امامت، یکی از مبانی اصلی دینی و فطری است (کلینی، ۱۳۶۳-۱۳۶۵ش: ج ۲، ۱۸) که کلام اهل بیت علیهم السلام از جمله زیارت و ادعیه ای چون زیارت اربعین و دعای ندبه، با شیوه های مختلف مانند استفاده از استعاره های مفهومی، جایگاه خود را با مفاهیم عمیقی از معارف را به صورت ملموس برای مخاطب منتقل کرده است. این نوشتار سعی دارد با تکیه بر استعاره های مفهومی در زیارت نامه اربعین و دعای ندبه پیوند معرفت حسینی را با معرفت مهدوی بازآفرینی کند؛ زیرا استعاره ها گاه چنان در یکدیگر تأثیرگذارند که دقت در ارتباط آنها و نیز معارف برگرفته از آنها، معرفت های ویژه دیگری را به ارمغان می آورد. برای این مهم زیارت اربعین به عنوان متن اصلی استخراج استعاره ها در نظر گرفته شده است و سپس مفاهیم و استعاره های مشترک با آن از دعای ندبه، استخراج و تطبیق داده شده است. برخی از این استعاره ها در زیارت اربعین و

پیوند آن با دعای ندبه عبارت است از:

۱. وارث

توجه به اصالت خانوادگی و نسبت حضرت اباعبدالله علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با انبیاء اولوالعزم در زیارت اربعین و دعای ندبه از فرازهای مهمی است مانند هر زیارت و دعای دیگری که در قسمت های مختلف آن، استعاره وارث بودن ایشان را تداعی می کند. در سلام های اولیه زیارت اربعین، بیان می شود:

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمُظْلُومِ الشَّهِيدِ (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ج ۲، ۷۸۸).

در صورت دوم منقول از زیارت اربعین نیز آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ حَبِيبِ اللَّهِ... (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹۸، ۳۴۵، ح ۱).
انتساب این ویژگی ها (ولی و حبیب، خلیل و نجیب، صفوه) به خود امام حسین علیه السلام از آن روست که حضرت وارث تمام فضائل انبیاء و علم آنان هستند؛ چنان که در نقل اول نیز بدان اشاره شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ... أُعْظِيْتُهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ج ۲، ۷۸۸).

در فرازهایی از دعای ندبه نیز به ویژگی های انبیاء و آمدن آنها یکی پس از دیگری در امر هدایت مردم به سوی خدا توجه داده شده است تا این که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل ایشان می رسد و می فرماید: «أَقَمْتُمْ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعْ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى، إِلَيْكَ أَنْتَ هَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛... فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ ق: ۴۴۶) که اشاره به وارث هدایت بودن آل پیامبر صلی الله علیه و آله، به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

در فراز دیگری که بخش دوم دعاست، به ویژگی پدران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کند که خود نشان دهنده نسب پر فضیلت اشان است که از پدران خود به ارث

برده‌اند و جامع همه آنها هستند:

يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَفَاءُ وَالْحِمَى، يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ التُّجَبَاءِ
الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمُتَهَدِّينَ، يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُتَهَذِّينَ،... يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا
ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى (همان).

در زیارت دیگر حضرت مهدی آمده است:

وَالْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۴۱۹).

بنابراین یکی از ویژگی‌های امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَوَلَّاهُ، «وارث» بودن ایشان است که این تعبیر استعاره مفهومی است. حوزه مبدأ حسی وارث اموال در حوزه مقصد آن (وارث معنویات) نگاشته شده است.

وارث در عرف مردم، به کسی گفته می‌شود که بعد از مُورث می‌ماند و اموال شخص مرده به وی منتقل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش «الف»: ج ۲، ۸۹). بنابراین ارث که در عرف برای امور مادی و حسی به کار می‌رود، در اینجا اعم از مادی و معنوی است و البته بُعد ارث معنوی (علم و فضائل)، غلبه دارد. روایات دیگر هم مؤید این معنا هست (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۹، ۷۵). این مفهوم وسیع ارث علاوه بر اموال و علم، خلافت و ولایت و... را شامل می‌شود (ر.ک: فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۶ و ۱۰۷) که البته براساس شایستگی است نه از نوع توارث سلطنت در سلسله پادشاهان (بقره: ۱۲۴) و این وجه جامع استعاره مفهومی است.

۲. اسیر کربات

استعاره مفهومی دیگر در زیارت اربعین عبارت است از: «السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ؛ سلام بر آن که دچار گرفتاری‌ها (اسیر اندوه‌ها) شد» (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۷۸۸).

«کروب» جمع «کرب»، ابتدا در معنای زیر و رو کردن زمین و حفر آن، و نیز گره محکمی که در طناب دلو می‌زنند، آمده، سپس در غم و اندوهی که قلب انسان را زیر و رو می‌کند و همچون گرهی بر دل انسان می‌نشیند گفته شده است. «کربات» منتهای آن غم و اندوه و اضطراب ناشی از گرفتاری‌ها و حوادث را می‌رساند (راغب، ۱۴۱۲ق: ۷۰۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۷۱۱؛ ابن فارس، ۱۴۲۹ق: ج ۵، ۱۷۴).

«اسیر»، از ریشه «أسر» به معنای شدت است (ابن سیده، بی‌تا: ج ۸، ۵۴۳) و اسیر راه رهایی برای او نیست و از هرسو در احاطه است. «اسیر الکربات» مبالغه نسبت به شخص مکروب است، به گونه‌ای که لحظه‌ای نمی‌تواند غم خود را فراموش کند. در فهم این وصف از حضرت امام حسین علیه السلام، وجوه جامع متفاوتی می‌توان دریافت. یکی از وجوه نگاشت در این استعاره، حزن شدید ناشی از سقوط انسان‌ها به پست‌ترین درجه است؛ سقوطی که به خاطر منفعت ناچیز دنیایی، ناشی از اطاعت یزیدیان خبیث رخ می‌دهد و سبب آغشته شدن دست آنان به خون بهترین خلق و برگزیده پاک الهی می‌شود.

در دعای ندبه نیز به این کرب که در اثر دوری از امام و هدایت ایشان است، شخص منتظر پس از ضجه زدن از درد و غم فراق از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، با انقطاع کامل رو به سوی خدا آورده و ایصال به مطلوبش را طلب می‌کند و از خدا می‌خواهد او را به امامش برساند و خداوند را با صفاتی که برطرف کننده این کرب و بلاست، می‌خواند (رفیعی، ۱۳۸۲: ش: ۳۱۲): «اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ [الْكُرْبِ] وَالْبُلْوَى، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا، فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عَمِيدَكَ الْمُبْتَلَى، وَارِهِ سَيْدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ عَلَيْهِ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى. اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَمِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَبَنِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷: ق: ۴۴۶) زیرا تنها خداست که برطرف کننده آن است (ر.ک: انعام: ۱۷).

۳. نهایت نجات از جهالت و حیرانی ضلالت

در فرازی از زیارت اربعین «فَاعْذَرْ فِي الدَّعَا وَمَنْحَ التُّصَحِّحِ وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» هدف قیام امام حسین علیه السلام عالم کردن مردم و دیگری عاقل نمودن آنها با تهذیب نفس بیان شده است که به مردم خوبی‌ها را بشناسانند و راه خوب را به آنان بنمایانند تا مردم خوب بفهمند و به خوبی‌ها عمل کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ش: ۲۳۳-۲۳۱).

این در حالی است که نقطه مقابل امامی که اعدار و نصیح و بذل خون کرد، کسانی بودند که: «... و تَغْطِرْسَ وَ تَرْدَى فِی هَوَاهِ...» (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ج ۲، ۷۸۸)؛ خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند و اطاعت کردند از میان بندگان، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین و سزاواران آتش را، «...» این مقابله، نهایت خیرخواهی و مهربانی امام برای هدایت همه افراد و شدت جهالت و در نتیجه ضلالت دشمنان حضرت را نشان می‌دهد. در این فراز چند استعاره مفهومی تصویرسازی شده است. برخی از آنها عبارت است از:

۱. بذل مهجه: «بذل»، به معنای بخششی است که با طیب خاطر و طیب نفس است (زبیدی، بی تا: ج ۱۴، ۴۸)، «مُهْجَة» به معنای روح، نفس، رگ قلب (زبیدی، بی تا: ج ۶، ۲۲۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ ق: ج ۱، ۲۰۶)، مطلق خون یا خون دل از آن جهت که هستی انسان به قلب او وابسته است (جوهری، بی تا: ج ۱، ۴۹۹۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۳۷۰). «مُهْجَة کُلِّ شَیْءٍ»، بهترین و خالص ترین هر چیزی است و نیز حیاتی ترین و بهترین خونی است که در بدن جریان دارد (ازهری، بی تا: ج ۶، ۴۶). براساس معنای این دو واژه، به کار بردن بذل برای امور حسی قابل بذل است و استعمال آن در مهجت، تصویر دادن جان امام حسین (علیه السلام) با نهایت اخلاص در راه خدا را برای نجات بندگان از زمان خود تا قیامت مفهوم سازی می‌کند.

۲. «نقد» به معنای نجات و رهایی و سلامتی (زبیدی، بی تا: ج ۵، ۴۰۴ و ج ۹، ۴۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ۵۱۶) آن هم طبق آیات نجات از ورطه‌ای که به هلاک منجر شود، است (آل عمران: ۱۰۳)؛ خطرهایی مانند غرق و دشمن. از همین رو کاربرد «لیستنقد» برای حضرت علاوه بر آن که دوام نجات بخشی حضرت را برای هر انسانی در هر زمانی می‌رساند، استعاره‌ای را تصویرسازی می‌کند که در آن جهالت و حیرانی در ضلالت بسان موج‌های سهمگین و خطرناکی می‌شمرد که سبب غرق شدن (ضلالت و هلاکت) بندگان در دریای دنیا می‌گردد و امام حسین (علیه السلام) نجات غریق بودن آنهایند. این مفهوم از استعاره سفینه النجات در نقل دوم زیارت نامه اربعین نیز قابل برداشت است: «السلام علیکم یا سُنُّنَ النجاه»، چنان که در روایتی نیز به طور خاص امام حسین (علیه السلام) «سفینه النجاه» معرفی شده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ۵۱).

در فرازهایی از دعای ندبه نیز در فراق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این وصف با بیانی دیگر، مفهوم‌سازی شده است:

أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشَّرِّكَ وَالتَّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالطُّغْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدُ
فُرُوعِ الْغَى وَالشَّقَاقِ؛ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟
أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَاةِ وَالْمَرَدَّةِ؟ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶)

کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابودکننده اهل فسق و عصیان و طغیان، کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و شکاف اندازی؛ کجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع‌کننده دام‌های دروغ و بهتان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی‌کنندگان، کجاست ریشه‌کن‌کننده اهل لجاجت و گمراهی و بی‌دینی؟

از این فرازها روشن می‌شود اوج نجات بخشی از جهالت و ضلالت‌هایی چون شرک، نفاق، طغیان، پیروی از هوای نفس و... با وجود حضرت و ظهور ایشان رقم می‌خورد. این ویژگی‌ها با آنچه در مورد امام حسین علیه السلام و هدف قیام ایشان در زیارت اربعین بیان شده است، ارتباطی تنگاتنگ دارد و نشان از آن است که معرفت حسینی و مهدوی با یکدیگر پیوند عمیقی دارد.

۴. نور هدایت

تعبیر «نور»، در مورد امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین چنین مفهوم‌سازی شده است:

... يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ السَّاحِجَةِ، وَالْأَرْحَامِ
الْمُظْهَرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُذْهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا؛ (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۱۳، ۱۱۷)

... پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نکرد و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند....

در دعای ندبه نیز به نسب نورانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با استعاره‌های فراوانی اشاره شده است:

يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا ابْنَ الشُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ، يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ
الزَّاهِرَةِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶)

ای فرزند ماه‌های نورافشان، ای فرزند چراغ‌های تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران درخشان.

اطلاق شمس و قمر و نجوم بر ائمه علیهم‌السلام، از باب استعاره معقول به محسوس در کانون توجه روشن کردن است. آفتاب و ماه و ستاره‌ها عالم حس و دنیا را روشن و تاریکی را برطرف می‌کند، و ائمه علیهم‌السلام به انوار علم و فضائل، دل‌های عالمیان را روشن و تاریکی کفر و ضلالت و جهالت را برطرف می‌نمایند و خود نیز از هر تاریکی و آلودگی مبرا هستند. این ویژگی نور بودن برای همه ائمه علیهم‌السلام است اما برای به‌طور خاص برای امام حسین علیه‌السلام و امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و نسب آنها ذکر شده است.

در قرآن نیز تقابل «نور» و «ظلمت» نقش محوری دارد و این دو مفهوم با بنیادی‌ترین استعاره‌های مفهومی قرآن ارتباط دارند. دو استعاره مفهومی «خیر، نور است» و «شرّ ظلمت است» اساس آیاتی هستند که نور و ظلمت در آنها به‌کار رفته است (قائمی‌نیا، ۱۴۰۰ش: ۱۸۸). وجود اهل بیت علیهم‌السلام اصل هر خیری است، چنان‌که در زیارت جامعه کبیره آمده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۶۱۶). از همین رو استعاره نور برای حضرات، جلوه‌هایی از این خیر بودن را مفهوم‌سازی می‌کند.

از کانون استعاره نور برای حضرات، عصمت مطلقه ایشان است که راه هدایت را بر دیگران روشن می‌سازد؛ درک حقیقت این استعاره در زیارت اربعین و دعای ندبه، راه اتصال و توجه به هرکس جز ایشان را می‌بندد، امامانی که مصباح هدایت است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۵۱).

۵. ستون و حافظ دین

در فراز دیگری از زیارت اربعین در مورد امام حسین علیه‌السلام استعاره ستون دین آمده است:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷)؛
و گواهی می‌دهم تو محققاً از ارکان و ستون دین خدایی.

دعائم، از «دعم و دعام و دعامه» به معنی گذاردن ستون یا ستون کج شده را راست کردن است و جمع آن دعائم است (فیومی، بی تا: ج ۱، ۱۹۴). در کلامی گهربار از امام صادق علیه‌السلام است:

زمین خالی نمی ماند مگر این که در آن امامی باشد که اگر مؤمنان چیزی به احکام خدا افزودند آن را برگرداند و اگر چیزی از آن کم کردند برای شان تکمیل و رفع نقصان کند (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۶۳).

در دعای ندبه نیز در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با بیانی دیگر به این ویژگی اشاره شده است: «أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ؟... أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمَّةِ وَالْعَوَجِ؟... اللَّهُمَّ وَأَقِمِّ بِهِ الْحَقَّ، وَأَذْخِصْ بِهِ الْبَاطِلَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶). انتظار کشیدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اقامه و استوار کردن انحراف و کجی، وصف دعائم الدین در زیارت اربعین را تبیین نموده است.

بر این اساس امام چون معماری ستون بنای دین را نگهبانی می کند و از انحراف و کجی حفظ می کند تا باقی و زنده بماند. در زیارت اربعین و دعای ندبه، با استعاره مفهومی به این جایگاه امام و این نعمت بزرگ حضرت اباعبدالله عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید شده است.

۶. رکن و تکیه گاه

در فرازی از زیارت اربعین آمده است:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ... (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷)؛
و گواهی می دهم تو محققاً از نگهداران ستون دین خدا و از ارکان مسلمانان هستی.

در هر چیزی قوی ترین و بزرگ ترین جزء آن را رکن آن چیز می گویند که به آن تکیه کرده و سبب سکونت و آرام (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳، ۱۸۵؛ الزییدی، بی تا: ج ۱۸، ۲۴۲) و اطمینان به آن (ازهری، بی تا: ج ۱۰، ۱۰۸) می شود. در زیارت اربعین، امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف چون سایر امامان، از بزرگ ترین و قوی ترین اجزاء دین شمرده شده است که تکیه به این رکن، آرامشی وصف نشدنی را به همراه می آورد.

در دعای ندبه نیز در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با بیانی دیگر به این ویژگی اشاره شده است:

أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟.... وَأَقَمِّهُ لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶).

«قاعده» به معنای پایه و اساس و اصل هر چیزی است که آن چیز بر آن بنا می‌شود (ابن معصوم مدنی، ۱۴۲۶ق: ج ۶، ۱۸۳). ائمه علیهم‌السلام از جمله حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پایه علم حقیقی، یعنی اسلام و توحید وحی الهی هستند و هر کس می‌خواهد در این مسیر قرار گیرد باید به پایه و اساس آن وصل شود که ائمه هدی علیهم‌السلام هستند. در روایتی نیز آمده است:

نَحْنُ أُولَاؤُا أَمْرِ اللَّهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ (کلینی، ۱۳۶۳-۱۳۶۵ش: ج ۱، ۱۶۲).
در دعای ندبه خداوند «قوام» و رکن و استواری همه هستی را امام زمان علیه‌السلام قرار داده تا همه به او استوار و پناهنده شود و به سعادت برسند (رفیعی، ۱۳۸۲ش: ۳۱۸).
رویکرد معرفت به امام حسین علیه‌السلام و حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در زیارت اربعین با «ارکان المسلمین» و در دعای ندبه با «قواعد العلم» و «قوام» چنان مفهوم‌سازی شده است که حکایت دارد تکیه‌گاه مسلمین و نیز پایه علم دین آنها و تکیه‌گاه و قوامیت حرکت به سوی سعادت، این حضرات هستند.

۷. پناهگاه

زیارت اربعین، زائر به پناهگاه بودن امام حسین علیه‌السلام برای مؤمنان شهادت می‌دهد:
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ... (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۱۳، ۱۱۷)؛
گواهی می‌دهم... تو محققاً از پناهگاه مؤمنان هستی.

«عقل» به معنای حصن و «مَعْقِل» نیز به معنی پناه و ملجاء است (ابن سیده، بی‌تا: ج ۱، ۲۰۷). به عقل، عقل گویند زیرا صاحبش را افتادن به ورطه هلاکت نگه می‌دارد و عقل می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ۴۵۹). قلعه و دژ را نیز از آن جهت معقل گویند که مردم در برابر هجوم دشمن به آن پناه می‌برند و آنها را حفظ می‌کند.

امام حسین علیه‌السلام «مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ» هستند، یعنی دژ محکمی که اهل ایمان دارند و آنچه که شایستگی آن حصن و حصار و استحکام آن است؛ وجود مقدس امام حسین علیه‌السلام است. از طریق نور حضرت، مؤمنان می‌توانند جمع شوند و عقل پیدا کنند و برنامه داشته باشند و پراکنده نشوند (طاهرزاده، <https://lobomizan.ir>).

توجه به مراتب اوصافی که برای امام در فراز «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ

الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ» آمده زیبایی جمله را دوچندان می‌کند. آن جاکه سخن از دین است، امام تشبیه به ستون دین شده. آن جاکه سخن از مسلمین به میان آمده، امام را از اجزاء بزرگ مسلمین معرفی می‌کند. در جایی که صحبت از مؤمنین است، امام را پناه و ملجاء آنان می‌شمارد که اگر مؤمنین به او پناه ببرند از هرگونه آسیب و گزند در امان خواهند بود (مستحسن، ۱۳۸۹ ش: ۳۴۰).

در دعای ندبه نیز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگهبان و پناهگاه برای منتظر ایشان خوانده شده‌اند:

خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقْنَتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ ق: ۴۴۶)؛

تو او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی و او را قوام و امان ما قرار دادی.

«عصمت»، به معنای منع و حفظ است (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۱۹۸۶) اگر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را خداوند برای عصمت و حفظ مادی و معنوی مؤمنان قرار داده است، ایشان علاوه بر جنبه مادی، افراد را از با هدایتگری خود از گناهان حفظ می‌کنند و پناه می‌دهند (رفیعی، ۱۳۸۲ ش: ۳۱۷).

«ملاذ» به معنای ملجأ و پناهگاه و حصنی است که از فرد ترس این که دیده شود و او را بگیرند، بدان پناه می‌برد (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ج ۸، ۱۹۹؛ زبیدی، بی تا: ج ۵، ۳۹۵). «معاذ» نیز به معنای محل التجاء و پناه است (شرتونی، بی تا: ج ۳، ۶۲۷).

در دعای ندبه این ویژگی‌ها برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مانند اوصاف امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین بیانگر آن است که خداوند تمام آنچه برای هدایت بندگان است در اختیار امام نهاده تا آنان در شدائد و سختی‌های روزگار و معصیت به او پناهنده شوند و نجات یابند، چون کودکی که به پدر و مادر خود پناه می‌برد، امام آغوش مهر و محبت باز می‌کند و پناه او می‌شود (رفیعی، ۱۳۸۲ ش: ۳۱۷)؛ چنان که در روایت است:

... الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَمُنْفَرَجُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ... (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۱۶).

۸. کلمه و نشان تقوا

استعاره‌های مفهومی زیارت اربعین از این مورد به بعد، در مورد فرزندان امام حسین علیه السلام است و نشان از امتیاز ویژه امام حسین علیه السلام دارد که امامت از اولاد ایشان امتداد یافته است (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۴۳۱). از آن جا که ائمه نور واحدند، این فضائل برای خود امام حسین علیه السلام و آباء ایشان نیز هست (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۵ش: ۱۹۵). یکی از این تعابیر بسیار زیبا، شهادت به کلمه تقوا بودن اولاد حضرت است:

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷).

در روایات نیز اهل بیت کلمات الله معرفی شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰، ۳۸۶). عده‌ای «کلمه تقوی» را، به کلمه توحید تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۹، ۱۸۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۳، ۲۷۱-۲۷۲). اما ممکن است مراد از آن، روح ایمان باشد که پیوسته آدمی را امر به تقوی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۸، ۲۹۰).

در لغت نیز «کلمه» به معنی «اثری است که یکی از حواس درک می‌شود» (راغب، ۱۴۱۲ق: ۷۲۲) و «اثر» علامت و نشانه‌ای است که از چیزی یا کسی باقی ماند خواه بنائی باشد یا دینی یا بدعتی یا جای پائی (قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۱، ۲۲) و کلمه تقوی به معنای پی‌گیری نشانه‌هایی است که به تقوی می‌رسد. قول و فعل امام اثری است که با پی‌گیری آن می‌توان به تقوا رسید. جمله «اعلام الهدی» در ادامه زیارت نیز همین معنی می‌فهماند و آن را تأیید می‌کند (مستحسن، ۱۳۸۹ش: ۳۴۲). این نشانه‌ها حضرات معصومین هستند که در زیارت اربعین در مورد اولاد امام حسین علیه السلام مفهوم‌سازی شده است و در دعای ندبه به طور خاص در مورد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این وصف به نحو اکمل با عبارت «أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰؛ سیدبن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶) تصویرسازی شده است و نشانگر آن است که حضرت همه مخلوقات را بر اوج تقوا و هدایت جمع می‌نمایند (رفیعی، ۱۳۸۲ش: ۲۱۳). بنابراین زیارت اربعین در فرازهای پایانی، گویی به سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رهنمون می‌کند و معرفت حسینی را با معرفت مهدی پیوند می‌زند و یگانگی اهل بیت در اوصاف را یادآوری می‌کند.

شماره ۳۷

سال شانزدهم، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۹. نشان‌های هدایت

در فراز دیگری از زیارت اربعین، زائر در مورد فرزندان امام حسین علیهم‌السلام شهادت می‌دهد که:

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيُّمَةَ مِنْ وَلَدِكَ ... اعلام الهدی (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۶، ۱۱۳، ح ۱۷):
گواهی می‌دهم، امامان از فرزندان نمونه‌ها و علم‌های هدایت هستند.

«عَلَم» نشانه‌ای است که شیء با آن روشن می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱ ش: ج ۵، ۳۴) و معانی پرچم و نشانه راه، برای علم به دلیل آن است که بالا بودن آن، سبب دیدن آن به وضوح می‌شود و می‌توان در پی آن روان شد، مثل روان شدن لشکر در پی علمدار خود و یا رهرو در پی نشان راه به سمت مقصد (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۵۳). بنابراین، قول و فعل امام، نیز پرچم هدایتی است که باید در پی آن روان شد. آنان پرچم‌های هدایت، نمونه‌های بلند هدایت هستند؛ علم‌های تکوینی و حقیقی نه قراردادی، زیرا اصل وجودشان بزرگ‌ترین نشانه خداست. آنها علم‌های هستند که مانند ستاره‌ای درخشان در تاریکی شب و ظلمت‌های گمراه‌کننده آن، راه را به رهپویان می‌نمایند و علم محض نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش «الف»: ج ۱، ۳۴۸-۳۴۰).

کانون‌های دیگر این استعاره آن است که علم به کسی راه نشان می‌دهد که از نعمت بینایی برخوردار بوده، از مبدأ حرکت کرده و مقصد را در پیش گرفته است. از سوی دیگر علم و پرچم نشانه تعلق و وابستگی است. يك هواپیما یا کشتی از کشوری حرکت می‌کند و ده‌ها کشور را در می‌نوردد و سپس به مبدأ برمی‌گردد، هرکس علامت پرچم آن کشور را بر هواپیما یا کشتی ببیند، می‌فهمد این کالا، کشتی یا هواپیما به کجا تعلق دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش «الف»: ج ۱، ۳۸۶). اگر ائمه علم و پرچم هستند به مبدأ اصلی که الله، دین الهی و هدایت است باز می‌گردند و بر می‌گردانند، زیرا به همان تعلق دارند.

در دعای ندبه نیز این استعاره چندین بار به این وصف به طور عام برای اهل بیت و خاص برای حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اشاره شده است: «وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَحْزَى»؛ «وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيَّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُورًا مِنَ الْعَمَى»؛ «أَيْنَ أَعْلَامُ

الدین؛ «أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى؟»؛ «يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِيحَةِ»؛ «يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰).

۱۰. محکم ترین و اطمینان بخش ترین دستگیره

شهادت بر «الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى» بودن ولد امام حسین علیه السلام، استعاره مفهومی دیگری است که در زیارت اربعین با وجود کوتاه بودنش، معارف عمیقی را در مورد آنها، بازآفرینی می کند. «عروه» دستگیره یا دست آویزی (قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۴، ۳۳۶) است که هنگام سقوط یا دفع خطر سقوط، به آن متوسل می شوند. صفت «وُثْقَى» برای «عروه» به معنی محکمی و اطمینان خاطر از استحکام آن است. اگر کسی به امام تمسک شود، هیچ گاه سقوط نمی کند، زیرا خدا در بیان خاصیت «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» می فرماید «لَا أَنْفِصَامَ لَهَا» (بقره: ۲۵۶) یعنی قطع شدن و پاره شدن و شکستن در آن راه ندارد (مستحسن، ۱۳۸۹ش: ۳۴۲).

در روایات نیز این وصف برای اولاد امام حسین علیه السلام ذکر شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ۲۷۹). این دستگیره محکم انسان را به توحید متصل می کند، چنان که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى التَّوْحِيدُ (برقی، بی تا: ج ۱، ۲۴۰).

در این استعاره مفهومی حوزه مبدأ عروه وثقی (دستگیره محکم) در حوزه مقصد اهل بیت به ویژه اولاد امام حسین علیه السلام نگاشت شده است و کانون های زیبایی را مانند محکم بودن و عدم گسستن، گرفتن آن در هنگام خطر و هلاکت و... به تصویر می کشد. این استعاره از زوایای دیگر با استعاره هایی در دعای ندبه پیوند می خورد و کانون های دیگری را مفهوم سازی می کند: «وَجَعَلَتْهُمْ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ»؛ «فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلُ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلُوكُ إِلَى رِضْوَانِكَ»؛ «وَحَبَلَ اللَّهُ الْمَتِينَ»؛ «أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟»؛ «وَأَجَعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰).

از این فرازها در دعای ندبه که برخی در مورد همه انبیاء و برخی در مورد ائمه علیهم السلام و بعضی به طور خاص در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است، مانند عروة الوثقی در زیارت اربعین، روشن می کند که اتصال به آنها انسان را در امان و آرامش اطمینان آور قرار می دهد و رضوان و رضایت الهی را به دنبال می آورد. البته لازم به ذکر است گرفتن این دستگیره و

حبل الهی و وسیله امری است که باید توسط خود انسان و به توفیق الهی انجام گیرد از همین رو در آخر دعا از خداوند خواسته می‌شود:

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ؛

ما را از آنانی قرار ده که به دامن عنایت‌شان چنگ زنند.

این رویکرد معرفت‌شناسانه در بعد اعتقاد و عمل از زیارت اربعین تا دعای ندبه سالک کوی دوست را سیر می‌دهد تا به سر منزل مقصود برسد.

۱۱. حجت خدا

در فراز دیگری از زیارت اربعین در مورد فرزندان امام حسین علیهم‌السلام آمده است:

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ... وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا؛

و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، ... حجت بر اهل دنیا هستند.

حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و اولادشان، به سبب همه ویژگی‌های روشن‌گرانه‌شان به سوی خدا، حجتی تمام بر همه اهل دنیا از مسلمان و غیرمسلمان هستند. در دعای ندبه نیز بارها به حجت بودن اهل بیت به ویژه امام عصر عجل‌الله‌فرجه‌الشریف با تعبیر مختلفی اشاره شده است: «وَحُجَّةٌ عَلَى عِبَادِكَ، وَلَيْلَا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى»؛ «یا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، یا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، یا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۴-۱۱۰).

«حجت» دلیلی است که مقصود و راه را روشن می‌کند (راغب، ۱۴۱۲ق: ۲۱۹).

با توجه به فرازهای فوق «حجة الله» بودن امام زوایای مختلفی دارد:

الف) وجود امام دلیلی است بر وجود خدا؛

ب) امام دلیل خداوند بر مردم است که رسیدن به توحید و لقاء الله امری ممکن است. دلیل‌اش امامی است که به توحید رسیده است. علت این‌که پس از کلمه دنیا، لفظ آخرت نیامده، می‌تواند تأیید همین معنی باشد. زیرا در آخرت حضور خداوند را به وضوح می‌توان درک کرد و نیازی به حجت ندارد. در حجاب‌های دنیایی است که مردم سرگردان می‌شوند (مستحسن، ۱۳۸۹ش: ۳۴۲)؛

ج) اتمام حجت خدا بر بندگان تا جای عذری باقی نماند که چرا هدایت‌کنندگان به

راه راست و حق فرستاده نشد (رفیعی، ۱۳۸۲ ش: ۶۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به ظرفیت بی‌نظیر استعاره‌های مفهومی در ادعیه و زیارات، از جمله زیارت اربعین امام حسین علیه السلام و دعای ندبه، از طریق تطبیق استعاره‌ها و نیز تبیین یک استعاره در دعا یا زیارت دیگری اثر معرفتی عمیق و ماندگاری در فرد و اجتماع خواهد گذاشت. این موارد در زیارت اربعین، از دو زاویه معرفتی عمیق نسبت به حضرت امام حسین علیه السلام و نیز اولاد ایشان به ارمغان می‌آورد که قرین و نزدیک با استعاره‌ها و یا فرازهای دعای ندبه است و این امر حاکی از آن است که معرفت اهل بیت به ویژه امام حسین و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک معرفت است و از معرفت هر یک می‌توان به معرفت دیگری رسید. این استعاره‌ها بر جایگاه والای امام در ارتباط با خدا و نیز جایگاه ویژه ایشان برای هدایت مردم دلالت دارد؛ استعاره‌هایی مانند: «وارث»، «اسیر کربات»، «نجات از جهالت و حیرانی ضلالت»، «نور هدایت»، «دعائم الدین و ستون و حافظ»، «رکن و تکیه‌گاه»، «پناهگاه»، «نشانه و کلمه تقوا»، «أعلام الهدی، نشانهای هدایت»، «محکم‌ترین دستگیره و حبل الهی»، «حجت الهی».

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۲. ابن سیده المرسی، أبی الحسن علی بن إسماعیل (بی تا)، المحکم والمحیط الأعظم، تحقیق: عبدالحمید الهنداوی، بی جا: دارالکتب العلمیة.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، مصباح الزائر، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

۴. ابن فارس، احمد (۱۴۲۹ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۵. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف: المطبعة

المباركة المرتضوية.

٦. ابن معصوم الحسيني المدني، على بن أحمد بن محمد (١٤٢٦ق)، الطراز الاول، قم: آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.

٧. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر، سوم.

٨. ازهرى، محمد بن احمد (بى تا)، تهذيب اللغة، بى جا: دار إحياء التراث العربى.

٩. آلوسى، محمود (١٤١٥ق)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلمية.

١٠. بحراني، هاشم بن سليمان (١٤١٣ق)، مدينة معاجز الأئمة الإثنى عشر ودلائل الحجج على البشر، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

١١. برقى، احمد بن محمد (بى تا)، المحاسن، ترجمه: جلال الدين محدث، قم: دار الكتب الإسلامية.

١٢. جوادى آملی، عبدالله (١٣٨٨ش)، ادب فناى مهربان، قم: اسراء، پنجم.

١٣. جوادى آملی، عبدالله (١٣٨٨ش)، شكوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: اسراء، پنجم.

١٤. جوهرى، أبونصر إسماعيل بن حماد (١٤٠٧ق)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، چهارم.

١٥. جوهرى، ابونصر اسماعيل بن حماد (بى تا)، منتخب من صحاح الجوهرى، بى جا: بى نا.

١٦. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين (١٤١٢ق)، المفردات فى غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودى، بيروت: دار العلم/الدار الشامية.

١٧. رفيعى، جعفر (١٣٨٢)، تفسير وشرح دعای نديه، قم: مؤسسه ياران قائم.

١٨. زبيدى، مرتضى (بى تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بى جا: دار الفكر.

١٩. شرتونى، سعيد (بى تا)، أقرب الموارد فى فصيح العربية والشوارد، بى جا: بى نا.

۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، پنجم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، سوم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعجد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۵. العسکری، أبوهلال؛ جزایری، نورالدین (۱۴۲۹ق)، *الفروق اللغویه*، قم: نشر اسلامی، چهارم.
۲۶. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: هجرت، دوم.
۲۸. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی عليه السلام العامة.
۲۹. فیومی، أحمد بن محمد بن علی (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، بیروت: المکتبة العلمیة.
۳۰. قائمی نیا، علیرضا و دیگران (۱۳۹۳ش)، *زبان استعارى واستعاره‌هاى مفهومی* مقاله «استعاره‌های مفهومی در آیات قرآن»، تهران: هرمس، دوم.
۳۱. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۸ش)، «نقش استعاره‌های مفهومی در معرفت دینی»، *مجله قبسات*، سال چهاردهم.

۳۲. قائمی نیا، علیرضا (۱۴۰۰ش)، *معناشناسی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوم.
۳۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم.
۳۴. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق)، *جنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية المشتهر المصباح*، نجف اشرف: الشريف الرضي.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵-۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ش)، *زاد المعاد*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۸. مستحسن، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *سفری از عاشورا تا اربعین به ضمیمه شرح زیارت‌های عاشورا و اربعین*، قم: سبط النبی.
۳۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *کتاب المزار*، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۴۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۵ش)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیة*، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.

42. <https://lobomizan.ir>

43. <https://mirbaqeri.ir/articles>

44. Lakoff George, Jahnson Mark (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London: University of Chicago Press

